

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی

با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه^۱

بتول رشیدی^۲؛ محسن نیازی^۳؛ مینا هلالی ستوده^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

چکیده

این مقاله درصدد است با رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه به بررسی بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل‌های داودی بپردازد. از آنجا که هویت از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد و افراد دارای معلولیت، اغلب در جامعه، هویتی تباه‌شده می‌یابند، رویکرد این پژوهش به معلولیت، متأثر از نظریه داغ ننگ اجتماعی گافمن است که به‌عنوان معلولیت، پدیده برساختی اجتماعی تعریف شده است. روش تحلیل گفتمان با رویکرد پساساختارگرایانه لاکلا و موفه به عنوان روش پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. براساس یافته‌ها، گفتمان غالب در فیلم گل‌های داودی، محدودیت نداشتن فرد معلول است که حول دال‌های پذیرش، آموزش، تقدیرگرایی، عاملیت، استقلال و تصویر مثبت از بدن، مفصل‌بندی شده است. در کنار این گفتمان غالب، خرده‌گفتمان توانمندی نیز شکل گرفته است. فیلم با مرکزیت گره‌گاه اصلی عاملیت و حمایت، انفعال و طرد اجتماعی را به حاشیه رانده و موجب تسلط الگوی اجتماعی معلولیت شده است..

واژه‌های کلیدی

معلولیت، تحلیل گفتمان، بازنمایی، فیلم، برساخت‌گرایی.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

batoolr728@gmail.com

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

niazim@kashanu.ac.ir

۴. استادیار علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

mina.sotoodeh@kashanu.ac.ir

مقدمه

یکی از ویژگی‌هایی که باعث تفاوت افراد با سایر اعضای جامعه می‌شود، معلولیت است. در طول تاریخ، نگاه‌های متفاوتی به این پدیده شده است، اما به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، معلول را فردی ناتوان تعریف کرده‌اند که فاقد توانایی است. با اینکه تلاش‌های متعددی برای تعریف جایگاه معلولان انجام شده، هنوز نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در بیشتر نقاط دنیا به چشم می‌خورند. وضعیت حاکم به دلایلی معلولان را فاقد قدرت در برابر سایر اعضای جامعه می‌داند، به طوری که برخی جامعه‌شناسان، معلولیت را محصول و پیامد اجتماعی نقص یا ناتوانی در فرد می‌دانند. به عبارتی، معلولیت مفهومی جامعه‌شناختی است و تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، مورد تفسیر قرار می‌گیرد. مواجهه با معلولیت در طول تاریخ غالباً با نگاه منفی همراه بوده است. آمار سرشماری سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد بیش از هفت میلیون نفر، معادل ده درصد از جمعیت کشور را افراد معلول با معلولیت‌های مختلف ذهنی و جسمی تشکیل می‌دهند (درگاه بهزیستی کشور، ۱۴۰۱). این درحالی است که معلولان به‌عنوان شهروند درجه دو شناخته می‌شوند و به‌رغم تمام تلاش‌های مدنی و به دست آوردن امتیازات قانونی، هنوز از بسیاری از حقوق طبیعی خود محروم هستند. اگرچه تبعیض و نگرش منفی به معلولان در طول زمان شکل‌های مختلف به خودگرفته و تغییر کرده است، اما شواهد نشان می‌دهند افراد دارای معلولیت همچنان از داغ بی‌اعتباری و تبعیض رنج می‌برند (جلی، ۱۳۹۲). معلولیت به طور طبیعی، به دنبال خود، دو مفهوم کلیدی هویت و داغ ننگ را می‌آورد. مفهوم هویت به معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر است که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد. داغ ننگ اجتماعی به‌عنوان پدیده برساخت اجتماعی تعریف شده که ممکن است همچون یادآوری پیوسته به افراد دارای معلولیت باشد که جامعه آنها را به عنوان متفاوت دیده و به همین سبب آنها را بی‌ارزش می‌شمارد (فمیستر و همکاران، ۲۰۰۴).

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

اگر بپذیریم که هویت، منحصر به فرد نبوده و در طول عمر انسان، متناسب با موقعیت مکانی و زمانی که فرد در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند گونه‌های مختلفی از هویت را کسب کند، لذا می‌پذیریم که معلولیت و هویت معلول نیز به تبع مکان و زمان قابل تغییر بوده و محیط معناساختی فرد، نقش بسیار مهمی را در کسب هویت ایفا می‌کند. یکی از مهمترین بخش‌های تشکیل‌دهنده محیط معناساختی انسان‌ها در دنیای مدرن، رسانه‌های جمعی هستند. رسانه‌های جمعی به دلیل تأثیر عمیق اجتماعی- فرهنگی به‌طور اعم و البته رسانه سینما به دلیل ابعاد فراگیرش به‌طور اخص، واسطه‌ای بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی قرار گرفته و معنا تولید می‌کنند. سینما به‌عنوان نخستین وسیله ارتباط جمعی که باعث شکل‌گیری توده شده، به‌صورت ابزار تقویت و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌ها شناخته می‌شود. مطالعات استیونسن^۱ (۱۹۹۵) نشان می‌دهد رسانه‌های عامه‌پسند همچون سینما، چنان در زندگی عصر مدرن متأخر استوار گشته‌اند که به یکی از عناصر تفکیک‌ناپذیر بافت فرهنگی مدرنیته اخیر تبدیل شده‌اند. مسائل و مباحث مربوط به معرفت، هویت، ذوق و سلیقه و الگوهای زندگی که جزء خصوصیات فرهنگ مدرن هستند، بدون استثنا به دست افراد و از طریق متون و تصاویر رسانه‌ها مفهوم‌پردازی و عملیاتی شده‌اند. بنابراین مسئله اساسی در برخورد با رسانه همانا مفهوم بازنمودهای تصویری و متنی است که اهمیت بسیاری بر واقعیت زیسته افراد دارند (راورداد، ۱۳۹۱: ۳۶).

یکی از راه‌های نگاه به چگونگی شکل‌گیری جهان معلولیت می‌تواند در قالب مفهوم گفتمان^۲ میسر باشد. زیرا گفتمان، مفهومی است که زبان را به فرهنگ، تاریخ، دین، سیاست و... پیوند می‌زند. تحلیل گفتمان در قالب رویکردهای مختلف تلاش می‌کند با طبیعی‌زدایی از متن و بررسی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متون، روابط قدرت و ایدئولوژی نهفته در آنها را آشکار کند. تحلیل گفتمان انتقادی در سینما به کاربرد زبان در این رسانه برای برقراری ارتباط میان باورها و اندیشه‌ها در بافت عظیم اجتماعی می‌پردازد. به‌واقع سینما زبان تصاویر را به‌صورت جهت‌دار ادغام می‌کند تا پیامی پیرامون معلولیت را به مخاطب

1. Stevenson
2. Discourse

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

منتقل کند و ارتباط تنگاتنگ زبان و ساخت اجتماعی، منجر به شکل‌گیری معلولیت برساختگرایانه در متون رسانه‌ای می‌شود. سازه‌های گفتمانی از صورت معلولیت، بیشتر به وسیله باورهای دریافت شده در ذهن مردم ساخته می‌شود تا تجربه واقعی آنها از معلولیت (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۷). در اینجا معلولیت، موضوعی فرهنگی- و نه فردی و پزشکی- تعریف شده و بر بررسی روابط قدرت تأکید دارد. با توجه به اینکه معلولان در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، در قالب نقش‌ها و جایگاه‌های رسانه‌ای گوناگون و با ظرفیت‌های شخصیتی و عاطفی و ارتباطی مختلف به تصویر کشیده شده‌اند و هنر فیلم در همه حال، وابستگی نهایی‌اش را به ساختارها آشکار کرده و موجب می‌شود بسیاری از اشخاص که تاکنون تماسی با معلولان نداشته‌اند، دانش خود را از راه رسانه‌های جمعی اخذ کنند، پس این مسئله حائز اهمیت خواهد بود که چگونه رسانه‌ها واقعیت را شکل می‌دهند؟ تحقیق حاضر بر این اصل تمرکز دارد که معلولیت، پدیده‌ای برساختی است. به این ترتیب، در سنت تحلیل گفتمان در قالب رویکرد لاکلا و موفه تلاش می‌کند با طبیعی‌زدایی از متن و بررسی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متن فیلم گل‌های داودی، از لایه‌های درهم‌تنیده هویت و ایدئولوژی، پرده‌برداری کند. در این رویکرد، فیلم به مثابه متن در نظر گرفته شده است.

بنابر این سؤال اصلی این است که معلولیت در فیلم گل‌های داودی چگونه برساخته و بازنمایی شده است؟

پیشینه پژوهش

پدیده معلولیت در ایران بیشتر به عنوان یک موضوع پزشکی و اخلاقی به حساب می‌آید و کمتر به مثابه موضوعی اجتماعی محسوب می‌شود، به همین دلیل، پژوهشگران به این موضوع آن‌طور که به سایر پدیده‌ها اهمیت داده می‌شود، توجه نداشته‌اند. پیشینه تحقیق در دو حیطه تحلیل گفتمان و معلولیت بررسی شده است.

سهراب‌زاده، خداکرمیان و امیدوار (۱۴۰۱) به بررسی گفتمان انتقادی فیلم پرواز بر فراز آشیانه فاخته به روش تحلیل گفتمان فرکلای پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

نشان می‌دهند چهار گفتمان در فیلم پرواز بر فراز آشیانه فاخته وجود دارد؛ اولین گفتمان، انضباط است؛ انضباط از طریق اعضای بیمارستان روانی بر بیماران روانی اعمال می‌شود؛ گفتمان دوم، گفتمان ساختارشکنی است که بیماران روانی در درون بیمارستان با ساختارهایی که در بیمارستان روانی وجود دارد، مخالفت می‌کنند. گفتمان سوم، گفتمان انگ‌زنی است. همچنین در فیلم نشان داده شده که بیماران روانی توسط بیمارستان روانی، خانواده و در نهایت افراد جامعه انگ خورده‌اند و در نهایت، گفتمان قدرت نیز در فیلم به چشم می‌خورد، قدرت از سوی اعضای بیمارستان بر بیماران روانی تحمیل می‌شود.

لطیفیان و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت به روش نظام‌مند پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق، نمایی کلی از ابعاد اجتماعی معلولیت در جامعه ایران بر این اساس است که معلولیت بر بعد اجتماعی زندگی افراد دارای معلولیت تأثیرگذار است و این افراد با چالش‌های متعددی در زندگی اجتماعی خود روبه‌رو هستند.

زرین‌کفشیان (۱۳۹۹) به بررسی رابطه نگرش منفی جامعه با طرد معلولین از اجتماع به روش آمیخته پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هر قدر نگرش نسبت به معلولین منفی‌تر ارزیابی شود، معلولین، طرد اجتماعی و عدم حمایت اجتماعی شدیدتری را تجربه می‌کنند و برعکس. در نتیجه به نظر می‌رسد حجم گسترده فقر، بی‌سوادی، بیکاری و همچنین فقر در روابط و مشارکت‌های اجتماعی در بین معلولین، با نگرش منفی جامعه نسبت به معلولیت ارتباط دارد.

نامداری (۱۳۹۸) در پژوهشی با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به بررسی فیلم «عصبانی نیستم» ساخته رضا درمیشیان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که گفتمان خشونت، گفتمان اصلی در فیلم است و گفتمان‌های دیگری نظیر عشق، نابرابری اجتماعی و بی‌عدالتی، حول محور آن شکل می‌گیرند که همگی براساس ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه در طول فیلم به وجود می‌آیند.

اسدیان، امیرمظاهری و کمالی (۱۳۹۷) تحقیقی را با عنوان ساخت اجتماعی معلولیت در سینمای قبل از انقلاب و دهه شصت ایران (مطالعه موردی فیلم‌های در

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

دنیا بیگانه بودم و پرنده کوچک خوشبختی) به روش تحلیل گفتمان انجام داده‌اند. براساس یافته‌ها، ساخت اجتماعی سینمای معلولیت در مقوله‌بندی‌های مفهومی سینمای قبل از انقلاب مبتنی بر نبود کنشگری فعال معلولان در جامعه و انزوا و طرد اجتماعی می‌باشد و درمقابل، سینمای دهه شصت بر ارائه شخصیت سازگارپذیر با اطرافیان و دارای قوای یادگیری و ارتباطی تأکید دارد.

رضایی و پرتویی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان زنان معلول و تعامل با جامعه که به لحاظ روش‌شناسی با رویکرد کیفی و با روش گروه مرکز در میان زنان معلول جسمی- حرکتی شهر بوکان- شهری کردنشین در استان آذربایجان غربی- انجام شده به این نتایج دست یافته‌اند: زنان معلول در زندگی اجتماعی خود با مسائلی همچون دوگانگی تعاملی و محرومیت‌های مضاعف روبه‌رو هستند و در این عرصه از یک سو توانسته‌اند به تعریف جدیدی از خود دست‌یابند و از سوی دیگر به نوعی خودتقویتی جمعی و مقاومت فعال اقدام‌کنند.

محسنی تبریزی و جبلی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان برساخت اجتماعی ناتوانی با استفاده از نتایج پژوهشی در شهر تهران، چگونگی تولید و بازتولید تبعیض و به‌تبع آن، ناتوانی دانش‌آموزان دچار آسیب بینایی در نهاد آموزش و پرورش را بررسی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند: دانش‌آموزان کم‌بینا در معرض تبعیض نهادی که با مکانیسم‌های محرومیت و نابرابری فرصت‌ها عمل می‌کند، به لحاظ آموزشی و پرورشی، به توفیقات مورد انتظار دست نمی‌یابند و ناتوانی را تجربه می‌کنند. درواقع، معلولیت طی یک فرایند اجتماعی یعنی تبعیض نهادی/ ساختاری، به ناتوانی مبدل می‌شود و به این شکل، ناتوانی در جامعه برساخت می‌شود.

عزیزیان (۱۳۹۲) به بررسی بازنمایی معلولین در رسانه (تصویر معلولین در فیلم‌های سینمایی ایران) به روش نشانه‌شناسی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند فیلم‌های موردبررسی در ظاهر به دنبال بازنمایی درستی از واقعیت‌های زندگی معلولین بوده‌اند، اما در کل با آنچه از معلولین و معلولیت به نمایش گذشته‌اند، به تقویت بیشتر باورهای پنهان جامعه در حیطه معلولین که آنان افرادی ناتوان بوده و افراد سالم بر آنان برتری دارند، منجر می‌شوند.

مظفری فاروق، علیزاده، بخشی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان ساخت اجتماعی

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

معلولیت: پژوهشی با رویکردی برساخت‌گرایانه اجتماعی؛ مطالعه موردی شهرستان رشت را به انجام رسانده‌اند. یافته‌ها نشان داد فرد معلول، خود را موجود ناتوانی می‌بیند که همواره نیازمند کمک است. آنها فکر می‌کنند تنها زمانی می‌توانند زندگی همراه با خوشبختی داشته باشند که سلامتی خود را بازیابند.

فاستر و پتینکیو^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان مدلی که شبیه من است: ارتباط و مصرف بازنمایی‌های ناتوانی براساس تجزیه و تحلیل محتوای سرمقاله‌ها و کمپین‌های تبلیغاتی؛ نحوه نمایش تنوع در صنعت مد برای رفع محرومیت افراد دارای معلولیت را بررسی کرده‌اند. آنها نشان می‌دهند که منطق بازار، استفاده از مدل‌های دارای معلولیت را محدود می‌کند و وضعیت آنها را در تبلیغات و تصاویر مد شکل می‌دهد.

ورتون^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان تصاویر غیرقابل تشخیص و ناتوان‌کننده از معلولیت: تحلیل متنی جمعی از بازنمایی رسانه‌ای از ناتوانی‌های ذهنی، چهارچوبی از پنج محور متوالی اما بالقوه متقاطع از بازنمایی ناتوانی‌های ذهنی را معرفی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که مجموعه موردبررسی (۱) از افراد دارای معلولیت حمایت می‌کند، (۲) وضعیت آنها را تحکیم می‌کند، (۳) ساختارشکنی می‌کند، (۴) نظم هژمونیک را درمورد ناتوانی بازسازی می‌کند و (۵) معلول را به‌عنوان فرد عادی توانا بازنمایی می‌کند.

آسپلر و هایدینگ^۳ (۲۰۲۲) در تحقیق مسائلی بازنمایی: نژاد، جنسیت، طبقه، و بازنمایی‌های متقاطع از شخصیت‌های اوتیستیک و معلول در تلویزیون بیان می‌کنند که رسانه‌ها درک، باورها و ارزش‌های اجتماعی را در بسیاری از موضوعات، از جمله زندگی افراد اوتیستیک، منعکس می‌کنند و بر آنها تأثیر می‌گذارند.

بایرد^۴ (۲۰۱۰) ویژگی‌های خاص شخصیت‌های دارای معلولیت مثل داشتن نقش اصلی یا فرعی، جنسیت، عادی بودن شخصیت و یا جذابیت آن، قربانی یا قهرمان

1. Foster & Petinicchio
2. Verton
3. Aspler & Heiding
4. Baird

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

فیلم بودن، عضویت در خانواده، روابط اجتماعی، طبقه اجتماعی وضعیت اشتغال، رده سنی و نوع معلولیت را در فیلمها موردبررسی قرار داد. بایرد نتیجه گرفت فرد دارای معلولیتی که معمولاً نقش اصلی را برعهده گرفته بود، غالباً جنسیت مردانه داشت و از نظر فیزیکی، وابسته، دارای شخصیت غیرعادی و قربانی بازنمایی شده ولی از نظر اجتماعی با شخصیت دیگر فیلم مرتبط بود. معلول از طبقه متوسط بدون شغل و میانسال بود.

آوولیو^۱ و همکارانش (۲۰۱۳)، به بررسی عوامل مؤثر بر روی کیفیت زندگی افراد دچار معلولیت در انگلستان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی این گروه از افراد است و ابعاد مختلف کیفیت زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بافو^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای انگ، تبعیض و به حاشیه راندن: دروازه‌هایی برای سرکوب افراد دارای معلولیت در غنا، غرب آفریقا نشان داد معلولان به عنوان افراد نیازمند، ضعیف و غیر طبیعی معرفی شده و این تصورات باعث محدود شدن دسترسی آنها به منابع در جامعه می‌شود. وضعیت برای کودکان دارای معلولیت که از فرصت و چشم‌انداز آموزش فراگیر محروم هستند، سخت‌تر است.

چهارچوب نظری

پایه‌های نظری تحقیق حاضر از تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، الگوهای فردی و اجتماعی معلولیت و نظریه داغ ننگ گافمن^۳ تشکیل می‌شود.

الگوهای معلولیت، ابزاری هستند برای تعریف اختلال و معلولیت. این الگوها مبنایی را در اختیار جوامع و دولت‌ها قرار می‌دهند تا به وسیله آنها، راهکارهایی برای شناسایی و رفع نیازهای افراد معلول اندیشیده‌شده و فراهم‌آید. این الگوها چهارچوب مفیدی محسوب می‌شوند برای درک بهتر مسائل افراد معلول.

-الگوی اخلاقی: در این الگو، به نحوی که دن گودلی^۴ اشاره کرده، معلولیت

1. Avolio
2. Bafu
3. Goffman
4. Dan Goodley

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

به معنای نقصی است که به سبب لغزش اخلاقی یا گناه ایجاد شده و نشانگر شکست یا آزمایش ایمان فرد است. پیامد چنین نگرشی، شرمساری فرد دارای معلولیت و خانوادهٔ اوست که می‌بایست باایمان و تحمل فزاینده به دنبال یافتن معنا و هدف در ابتلای به‌اصلاح مصیبت وارده باشند (جیلی، ۱۳۹۲: ۶۲).

-الگوی پزشکی: در این مدل، برچسب نقص و معیوب بودن به افراد دارای معلولیت زده می‌شود، خدمات توان‌بخشی و پزشکی به آنان ارائه می‌شود، بازگشت به اجتماع تنها در صورتی ممکن است که فرد دارای نقص، به حالت طبیعی برگردد. افراد معلول کسانی هستند که باید مداوا شوند، تغییر کنند و بهبود یابند تا هرچه بیشتر به مردم طبیعی و عادی نزدیک شوند.

-الگوی اجتماعی: مدل اجتماعی معلولیت با برعکس کردن زنجیره علی، دنبال کشف آن است که چگونه موانع ساخته‌شدهٔ اجتماعی، افرادی را که تصور می‌شود اختلالی دارند، ناتوان می‌کند. با آگاهی فزاینده از عوامل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی که سبب ناتوان کردن افراد می‌شود و وقوف به این امر که معلولیت طبیعی نیست، بلکه در جامعه ساخته می‌شود، به تدریج افراد معلول نیز انتقاد خود را نسبت به پزشکی‌گرایی نشان داده و دنبال راه جایگزین بوده‌اند (حسینی، ۱۳۹۳: ۸۲). الگوی اجتماعی، منکر مسائل و مشکلات معلولیت نیست، ولی دلایل آن را دقیقاً در اجتماع می‌یابد (حسینی، ۱۳۹۳: ۸۳).

از سوی دیگر، نظریه ساخت اجتماعی واقعیت (برساخت‌گرایی)، تصور و درک مخاطب از دنیای پیرامون را حاصل ترکیب ساخت اجتماعی معنا و معنای حاصل از تجربهٔ شخصی یا به عبارتی، مذاکره و توافق علت و عاملیت با عنوان برساخت‌گرایی اجتماعی می‌داند (جیلی، ۱۳۹۲: ۹۴). واقعیت، محصول تاریخی برداشت آدمی است. برساخت‌گرایی توضیح می‌دهد که برساخته اجتماعی چطور به مثابه چیزی ثابت و تغییرناپذیر جلوه داده می‌شود. براین اساس، معلولیت نیز امری برساخته است که رویکرد اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

در بعد دیگر، از نظر گافمن، معلولیت به‌طور طبیعی به دنبال خود دو مفهوم کلیدی هویت و داغ‌نگ را می‌آورد (عبداللهی، پیری: ۱۳۹۰: ۱۹۷). مفهوم هویت به معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

گروه‌های دیگر است که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (گافمن، ۱۴۰۰: ۳۶). افرادی که دارای معلولیتی هستند، هویت اجتماعی تباه‌شده‌ای را هم کسب می‌کنند که این هویت را در جامعه‌شناسی با عنوان داغ ننگ مطالعه می‌کنند. داغ ننگ اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعات برساخته‌ای تعریف‌شده که ممکن است همچون یادآوری پیوسته‌ای به افراد داری معلولیت‌ها باشد که جامعه آنها را متفاوت دیده و به همین دلیل، آنها را بی‌ارزش می‌شمارد. گافمن، داغ ننگ را به‌صورت احساس بدنام‌کننده‌ی اجتماعی در یک شخص تعریف می‌کند: «فردی که ممکن است در آمیزش اجتماعی عادی به‌آسانی پذیرفته شود، اما به سبب خصیصه‌ای که دارد، ممکن است خودش را تحمیل کرده و نظر هرکسی که او را می‌بیند، نسبت به خودش تغییر دهد، درحالی‌که تأثیر ویژگی‌های دیگرش را در ما می‌شکند. او یک ننگ دارد، تفاوتی نامطلوب با آنچه ما انتظار داشتیم. ما واژه‌های ویژه‌ی ننگ همچون، فلج، حرامزاده و کودن را در صحبت‌های روزانه به‌عنوان یک منبعی از استعاره و تشبیه به‌کار می‌بریم که نوعاً بدون فکر کردن به معنی اصلی آن تمایل داریم تا رشته وسیعی از نقص‌ها و عیب‌ها را بر پایه‌ی عیب اصلی در شخص ببینیم (گافمن، ۱۴۰۰: ۷۲).

براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، کیستی یا هویت، امری نسبی و غیرذاتی است و هویت‌ها را باید به مثابه‌ی موقعیت‌های سوژگی در یک ساخت گفتمانی فهمید، یعنی گفتمان‌ها همواره موقعیت‌هایی را برای افراد تعیین می‌کنند تا آنها را به منزله‌ی سوژه اشغال کنند و از این طریق به آنها معنا و هویت می‌بخشند. لاکلا و موفه نظریه‌ی معنایی و مفهوم گفتمان را وامدار سنت زبان‌شناسی ساخت‌گرایی می‌دانند که فردیناندو سوسور بنیان نهاد. از نظر لاکلا و موفه نیز هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد. به‌عبارت‌دیگر، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمان خاص قرارگیرند، هیچ پدیده‌ای به‌خودی‌خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرارگرفته است، کسب می‌کند. برای فهم دقیق ذاتی نبودن هویت در نظریه گفتمان بهتر است با تعریف مفهوم «نشانه» نزد سوسور به عنوان زیربنای نظریه‌ی پسا‌ساختارگرایی در باب زبان و چگونگی خلق معنا آغاز کنیم. سوسور زبان را ساختاری از نشانه‌ها می‌داند و هر نشانه را

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

متشکل از دو جزء دال (تصور صوتی) و مدلول (تصور ذهنی) دانسته و معتقد است نشانه‌ها به واسطه ارتباطی که با هم در درون یک شبکه معانی دارند، معنای خود را به دست می‌آورند و براساس اصل اختیاری بودن نشانه‌ها، رابطه ذاتی و ماهوی میان دال و مدلول وجود نداشته و یک دال در بسترهای گوناگون به مدلول‌های متفاوت ارجاع دارد؛ پس معانی توسط تفاوت‌های رابطه‌ای ساخته می‌شود که در درون زبان به دست می‌آید. نشانه‌ها رابطه ثابتی با یکدیگر داشته به این معنا که هر نشانه موضع خاصی در شبکه دارد و معنای آن ثابت است بنابراین گوینده توانایی ایجاد تغییر در نشانه را در یک جامعه زبانی جاقفاده ندارد. لاکلا و موفه نیز با بهره‌گیری از این نگرش سوسوری و با تکیه بر اصل رابطه‌ای بودن معنا، استدلال می‌کنند که هویت هر فرد همواره در رابطه با دیگران ساخته می‌شود و جوهری و ذاتی نیست (ابوعلی و اکبری، ۱۴۰۰). بنابراین گفتمان، نظریه‌ای برساخت‌گرایانه است. بر همین اساس، نوع و شیوه سخن گفتن ما درباره هویت‌ها و فرایندها و روابط اجتماعی، آنها را به نحو خنثی بازنمایی نمی‌کند؛ بلکه فعالیت در ایجاد و تغییر آنها نقش دارد. به عبارت ساده‌تر، این گفتمان است که آنها را برایمان معنادار و با مفهوم می‌کند (تیلور، ۱۳۹۷: ۶۲).

براساس الگوهای معلولیت و دیدگاه گافمن و نظریه گفتمانی و با توجه به این مهم که معلول نمونه‌ای از دال اصلی است و گفتمان‌های مختلف، محتوای متفاوتی به این دال می‌بخشند و فرد معلول از طریق همین بازنمایی شدن به کمک مجموعه‌ای از دال‌ها که حول یک گره‌گاه مفصل‌بندی شده‌اند، هویت خود را کسب می‌کنند، تحقیق حاضر به الگوی برساخت گرایانه معلولیت می‌پردازد.

روش پژوهش

روش بررسی به‌کاررفته در این مطالعه، روش پژوهشی کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است.

مفهوم گفتمان از نظر لاکلاو و موفه نه تنها زبان، بلکه کل حوزه اجتماع را دربرمی‌گیرد. همان‌طور که یک نشانه وقتی در یک گفتمان مفصل‌بندی شد، چنین به نظر می‌رسد که گویی معنای آن ثابت و غیرمبهم است، در حوزه اجتماع نیز ما طوری عمل می‌کنیم که گویی واقعیت اطراف ما ساختی غیرمبهم و ثابت

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

دارد. گویی که جامعه، گروه‌ها و هویت ما واقعیاتی عینی‌اند. اما همان‌گونه که نشانه‌ها و ساختار زبان ثابت نیست، پدیده‌های اجتماعی نیز انعطاف‌پذیر و قابل تغییرند. لاکلا و موفه مفصل‌بندی را این‌گونه تعریف می‌کنند:

هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر می‌شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم و کلیت ساخت‌مند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم. جایگاه‌های تفاوت را زمانی که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی باشند، «وقته» می‌نامیم و برعکس هر تفاوتی را که از نظر گفتمانی مفصل‌بندی نیست، «عنصر» می‌نامیم. در عمل مفصل‌بندی، دال مرکزی و دال‌های شناور با یکدیگر ترکیب می‌شوند، دال مرکزی تنها با تثبیت موقعیت نسبی خود، در ارتباط با دیگر نشانه‌ها معنی‌دار می‌شود. منظور از دال، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنای خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده شده و دال مرکزی، دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام‌بخش آنهاست (مقدمی، ۱۳۹۰).

قدرت از نظر لاکلا و موفه تقریباً همان قدرت مدنظر فوکو و آن چیزی است که اجتماع آن را تولید می‌کند. دانش موقعیت فردی و اجتماعی همه در سایه قدرت نمود پیدا می‌کنند. دال شناور پذیرای معانی گوناگون بوده و هر گفتمان تلاش می‌کند تا به شیوه خاص خود به آنها معنا تحمیل کند. دال‌ها پیش از جذب شدن در مفصل‌بندی و نظام گفتمانی، یک عنصر هستند: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنای آنها تثبیت نشده است (استفتی، ۱۳۹۷: ۸۲).

ایدئولوژی همان عینیت است و جامعه فاقد ایدئولوژی غیرقابل‌تصور است. عینیت نتیجه تاریخی فرایندها و نزاع‌های سیاسی است (سامنی، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

دو سازوکار عمده در چالش بین گفتمان‌ها برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی است. این دو سازوکار ریشه در همان تعارضی دارند که سوژه همواره در درون خود احساس می‌کند. به این صورت که سوژه همیشه در تعارض میان درون و بیرون بوده و می‌خواهد به کمال دست یابد (بشیر، ۱۳۹۹: ۵۷).

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل‌های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارای دو گونه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. یکی در زبان و با کمک زبان و دیگری در خارج از زبان صورت می‌گیرد. علاوه بر زبان و گفتمان برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی از سازوکارهای بسیار رایج در تحلیل متون در حوزه زبان‌شناسی هستند. این دو سازوکار در سطح اجتماع نیز کاربرد دارد به این صورت که سطح اجتماع و کل پدیده‌های اجتماعی محلی برای نزاع میان گفتمان‌هاست. گفتمان‌ها همواره در حال رقابت و نزاع با یکدیگرند و سعی می‌کنند که خود را تقویت و غیرخودی را تضعیف نمایند. این اعمال به واسطه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی انجام می‌گیرند پس برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و سازوکاری برای تقویت خود و تضعیف غیرخودی است. مؤلفه هویت در نظریه گفتمان لاکلا و موفه در ساختار گفتمان به‌عنوان موقعیت سوژه نام‌گذاری شده است؛ بنابراین هویت امری ثابت نیست، زیرا هویت‌ها توسط گفتمان‌ها ساخته می‌شوند و تشکیل گفتمان پیشگام بر شکل‌گیری هویت‌هاست (مقدمی، ۱۳۹۰).

به دلیل تعداد زیاد فیلم‌های سینمای معلولیت ایران، بنا به انتخاب متخصصان و اساتید، فیلم سینمایی گل‌های داودی به کارگردانی رسول صدر عاملی و نویسندگی فریدون جیرانی که در سال ۱۳۶۳ با موضوع اجتماعی در ایران تولید شده، انتخاب شد. گل‌های داودی نخستین عاشقانه بعد از انقلاب بوده و از اولین فیلم‌های مربوط به زندگی معلولان در سینمای بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. این فیلم شامل ۹۸ صحنه است که مجموع آن ۱۰۷ دقیقه می‌شود.

در پژوهش حاضر، روش گفتمانی به‌کاررفته به‌منظور تحلیل متون و موقعیت‌های فیلم نمونه، روش لاکلا و موفه می‌باشد که شرح آن در بحث نظری رفت.

یافته‌های پژوهش

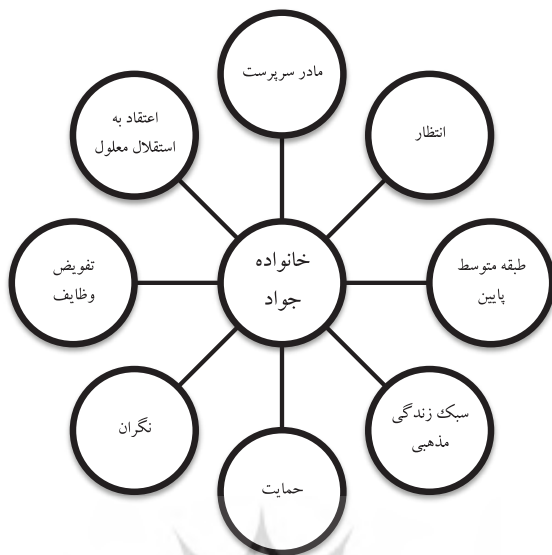
فیلم گل‌های داودی ازجمله فیلم‌های ملودرام اوایل انقلاب است که در سال ۱۳۶۳ تولید شده است. گل‌های داودی در واقع نام‌گذاری مفهومی است که با فضای غمناک فیلم سنخیت دارد. صدر عاملی در توضیح این اسم گفته بود: «گل داودی، گل غمگینی است که در فصل پاییز می‌روید و نشانه همدلی و هم‌زبانی نیز به شمار می‌رود.» عباس صفاری (داوود رشیدی) در جریان پروژ مشاخره با

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

دوست خود باعث مرگ ناگهانی وی شده و به ۲۵ سال حبس محکوم می‌شود. با سپری شدن ۲۰ ساله محکومیت و عفو ۵ سال آخر، قرار آزادی عباس صادر می‌گردد. اما روز موعود در شرایطی که همگان منتظر آزادی عباس هستند، استوار هدایت (جمشید مشایخی) خبر مرگ ناگهانی عباس را به همسرش، عصمت (پروانه معصومی) می‌دهد. اما عصمت از گفتن حقیقت به فرزند نابینای خود، جواد (بیژن امکانیان) که در آستانه برگزاری مراسم ازدواجش قرار دارد، خودداری می‌کند. استوار هدایت که قبل از عزیمت به سفر عصمت را در جریان واقعیت کشته شدن عباس به دست یکی از مأمورین زندان قرار داده بود، با تقاضای وی مبنی بر معرفی خود به عنوان پدر جواد و حضور در مراسم عروسی او مواجه می‌شود. جواد که به‌طور ناگهانی در جریان مکالمه استوار و مادرش قرار می‌گیرد، خانه را ترک کرده و از حضور در مراسم خودداری می‌کند. اما سرانجام توسط همسرش مریم (هیلا پیرزاد) متقاعد شده و با واقعیت مرگ پدرش کنار می‌آید.

جدول ۱- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی خانواده جواد

مدلول	دال ارزشی	
خانواده مادر سرپرست	مرور گذشته: مادر کودک در آغوش به دنبال همسر، پدر زندانی (۳:۳۵-۲). بخند مادر (۳۴-۳۱) رنگ پارچه دامادی را مادر انتخاب کرده (۳۷). خانواده بدون کمک اقوام.	۱
انتظار	بچه‌ای که ما را به هم پیوند داده، منتظرت می‌مونم: ۶:۴۱ من دیگه انتظار عادت‌م شده (۱۱:۲۶) خبری که سال‌ها منتظرش بودیم (۳۲)	۲
اعتقاد به استقلال فرزند معلول	کم‌کم جواد بزرگ می‌شه و اتاق لازم داره (۷:۴۲)	۳
مادر نگران	پیگیری حال جواد توسط مادر، چهره نگران عصمت (مادر)	۴
اعتقاد به توانمندی	جواد باید بتونه کارهاش را خودش انجام بده (۱۲-۶:۳۲)	۵
حمایت	مادر: تو همیشه می‌تونوی روی کمک من حساب کنی (۱۲) هرکاری بتونم برای خوشحالی تو انجام می‌دم (۵۸) به جواد دروغ نگفتم، اگر مرگ پدرش را پنهان کردم برای این بود که بتونه به زندگیش برسه (۶۵) همه مادرا اتاق فرزندان‌شون را مرتب می‌کنند (۲۳:۱)	۶
طبقه متوسط رو به پایین	خانه قدیمی، مادر در خانه خیاطی می‌کند، اتومبیل شخصی ندارند، تحصیلات پایین مادر، پدر زندانی خیاط.	۷
خانواده مذهبی	جشن عروسی در خانه، مادر نماز می‌خواند و دعا می‌کند.	۸



نمودار ۱- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی خانواده جواد

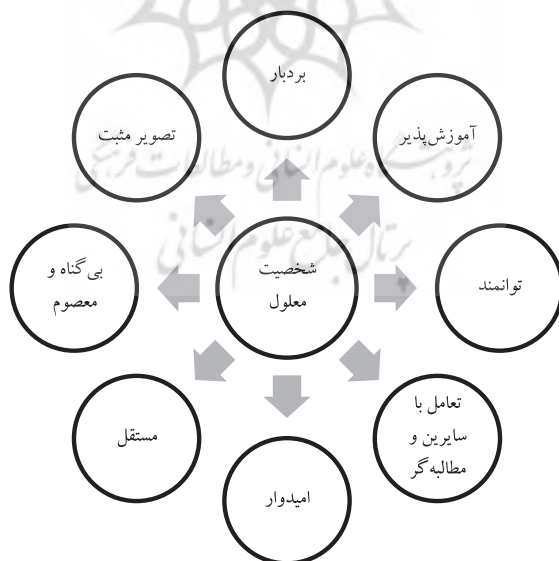
جواد در خانواده‌ای به سرپرستی مادر زندگی می‌کند. خانه قدیمی است و مادر تأمین مخارج زندگی را به عهده دارد. او در خانه خیاطی می‌کند و از فرزند معلول خود نگهداری می‌کند. پدر جواد نیز خیاط بوده که در زندان به سر می‌برد. مادر و جواد سال‌هاست که منتظر آزادی پدر هستند. اگرچه مادر نگران وضعیت جواد است، اما سعی در حفظ استقلال و حمایت از فرزند خود دارد. او بارها نشان می‌دهد هر عملی انجام می‌دهد، برای حمایت از فرزند خود است. جواد، مادر را همراه و حامی می‌داند. تأکید بر واژهٔ مادر، توسط جواد در تمامی دیالوگ‌ها، اهمیت حضور و حمایت مادر را نشان می‌دهد.

شخصیت معلول: در ابتدای فیلم با سکانسی که با جواد آشنا می‌شویم (دقیقه ۲ تا ۲)، در حال قدم زدن به سمت محل کار است. دوربین بر قدم‌های محکم همراه با عصای سفید تأکید می‌کند. او در اداره‌ای با سمت تلفنچی کار می‌کند. قدم‌ها محکم به همراهی عصای سفید است. جواد از دکهٔ روزنامه‌فروشی، روزنامه می‌خرد و در خیابانی که هیچ‌گونه شرایط مناسب برای عبور و مرور معلولان ندارد، به سمت اداره حرکت می‌کند. در تمامی سکانس‌هایی که به جواد مرتبط است او

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه بدون نیاز به دیگری، فعالیت روزمره خود را انجام می‌دهد (این مورد به مریم، همسر جواد هم صدق می‌کند).

جدول ۲- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی شخصیت معلول (جواد)

مدلول	دال ارزشی	
استقلال	بدون نیاز به دیگران به اداره می‌رود، روزنامه می‌خرد	۱
تعامل با دیگران و مطالبه‌گر	مراجعه به رییس اداره و شکایت از گرما (۱۳:۵۰). احوالپرسی در راهروی اداره، صحبت با همکار (۱۳:۵۰) با نوجوانان صحبت می‌کند (آقا فوتبال بازی کنیم؟ (۲۵)	۲
توانمندی	انجام فعالیت‌های هنری (نویسندگی) با ماشین تحریر	۳
آموزش‌پذیری	پادته آموزشگاه می‌رفتیم، اونجا با هم آشنا شدیم (۱۹)	۴
اعتراض	ناراحتی جواد از دخالت مادر در امور شخصی: شکستن پارچ آب برای اطلاع دادن به مادر (۲۴:۲۵) (۷-۴۵:۸)	۵
تصویر مثبت از معلول	انتخاب بازیگر خوش‌سینما در نقش معلول	۶
معصومیت و بی‌گناهی معلول	تو در رؤیا و خیالاتت به سر می‌بری (۶۹:۲) این مشکلات تقصیر تو نیست (۱۸:۳)	۷
بردبار	ما صبر می‌کنیم، تحمل می‌کنیم (۲۱:۴۰)	۸
امیدوار	می‌دونم پدر میاد، خدا حرفای من رو می‌شنوه (۴۷)	۹



نمودار ۲- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی شخصیت معلول (جواد)

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

محل کار به دلیل گرمای شدید هوا و نبود وسایل سرمایشی گرم است و جواد به منظور اعتراض، به اتاق مدیر در طبقات فوقانی اداره می‌رود و از جانب سایر همکاران، نسبت به تهویه هوای اتاق‌ها اعتراض خود را بیان می‌کند. او همچون افراد عادی از پله‌ها و آسانسور برای رفت و آمد استفاده کرده و مشکلی در رفت و آمد ندارد. رفتار سایر کارکنان و حتی ریاست اداره با او گرم و صمیمی است. در سکانسی، مریم و جواد از آموزشگاهی که در آن تحصیل کرده‌اند، یاد می‌کنند. سکانس‌هایی که از کودکی جواد نمایش داده می‌شود، همانند کودکان سالم، بازی می‌کند و چنانچه عینک سیاه بر چشمان او نباشد، بیننده متوجه نقص او نمی‌شود. تنها در یک صحنه جواد با ناراحتی در حین عبور از خیابان، متوجه اتومبیل در حال حرکت نمی‌شود که راننده با لفظ «مگه کوری؟» او را متوقف کرده و نابینایی را عامل محدودیت می‌داند.

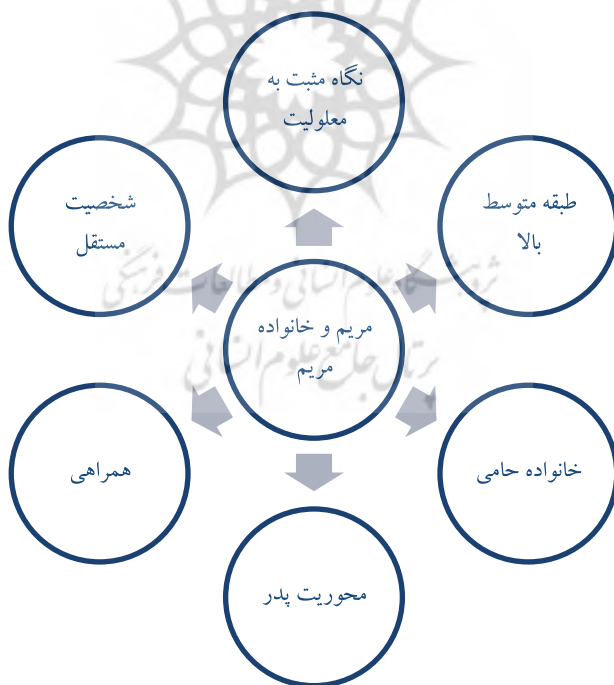
در سکانسی دیگر، مادر جواد برای مطلع شدن از سلامت رسیدن جواد به محل کار تماس می‌گیرد که این امر موجب ناراحتی جواد است. در دیالوگ تلفنی، جواد از پیگیر بودن مادر نسبت به حال او شاکی است. «حالم خوبه مادر، امروزم سالم رسیدم اداره، کاملاً سالم، حتی یک چکه خون از دماغم نریخت. مثل دیروز، مثل هرروز و ...» که حالتی اعتراضی به مادر دارد. مادر جواد نسبت به آسیب دیدن او در مسیر خانه تا محل کار، نگران است، زمین خوردن، در چاله افتادن و شکستن دست و پای جواد برای مادر نگران‌کننده است. جواد ماشین‌تحریر ویژه نابینایان دارد و داستان می‌نویسد. پسران نوجوان از جواد می‌خواهند با آنها بازی کند.

خانواده مریم: جواد و مریم با هم قهر می‌کنند، خانواده مریم او را با جواد آشتی می‌دهند. پدر مریم همراه مادر جواد، جواد و مریم برای استقبال از پدر جواد به زندان می‌رود و از آن دو مواظبت می‌کند. خانواده معلولیت فرزندان‌شان را پذیرفته‌اند و آن را تقدیر الهی می‌دانند (در دقیقه ۱۰:۱۲، ۱۰:۳۴، ۱۰:۶۲). خانواده‌ها باهم گرم و صمیمی هستند و به خاطر خواسته جواد، منتظر می‌مانند تا پدر او از زندان آزاد شده و جشن عروسی را برگزار کنند.

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

جدول ۳- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی خانواده مریم (همسر معلول)

مدلول	دال ارزشی	
خانواده طبقه متوسط	زندگی در آپارتمان، پدر بازنشسته اداری، اثاثیه خانه مدرن و به روز	۱
خانواده حامی	مریم همانند اعضای خانواده اتاق مستقل دارد، مادر ناراحتی او را درک کرده. پدر: مریم خانوم پاش رو توی به کفش کرد که دلم برای آقا جواد تنگ شده (۲۵:۳۴). ما هم شام را با داماد گلم می‌خوریم (۲۶)	۲
همراهی	پدر مریم آنها را تا زندان همراهی می‌کند، مادر جواد مشکل را با پدر مریم در میان می‌گذارد، پدر مریم، راز مرگ پدر جواد را پنهان می‌کند	۳
شخصیت مستقل دختر معلول	مریم با جواد در پارک قرار می‌گذارد، سعی در حل مشکل دارد: تو خودت خواستی بهت دروغ بگن (۶۵:۲۰)	۴
نگاه مثبت معلولیت	آره ما توشب زندگی می‌کنیم، اما می‌تونیم توی شب بخونیم و بنویسیم، آیا همه می‌تونند توی شب بخونن و بنویسن؟ (۸۲:۱۰)	۵



نمودار ۳- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی خانواده مریم (همسر معلول)

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

روابط جواد و مریم: جواد و مریم همانند سایر زوج‌های بدون معلولیت، در پارک قرار ملاقات می‌گذارند. با خلاقیت (زدن دو چوب‌بر هم) همدیگر را صدا می‌زنند. هر دو وقت و زمان را از طریق ساعت‌های مچی که به دست دارند به‌طور دقیق تخمین می‌زنند. آنها تجربیات مشترک دارند که موجب پیوند آنها با هم می‌شود. تابع رسوم و قواعد اجتماعی هستند. با هم ارتباط مؤثر دارند و علاقه‌شان را به یکدیگر ابراز می‌کنند.

جدول ۴- نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی روابط جواد و مریم

مدلول	دال ارزشی	
تجربیات مشترک	یادته باهم می‌رفتیم آموزشگاه؟ (۴۱). خوبه تو هنوز توی آموزشگاه کار می‌کنی (۴۲). منم دوست دارم جشن شادی داشته باشیم (۲۱:۴). ما گوش‌ها و دست‌هامون می‌تونه همه چیز رو درک کنه (۸۴)	۱
ارتباط مؤثر و عشق	همانند سایر زوج‌های سالم در پارک قرار ملاقات می‌گذارند (با خلاقیت (زدن دو چوب‌بر هم) همدیگر را صدا می‌زنند. هر دو وقت و زمان را از طریق ساعت‌های مچی که به دست دارند به‌طور دقیق تخمین می‌زنند. ما همدیگر رو درک می‌کنیم (۲۶) می‌دونم کجا نشستی، روی صندلی همیشگی ما (۸۲)	۲
عادی بودن	جواد و مریم: بله خانوم، بله گفتنتون ۴ دقیقه طول کشید، خب تقصیر مامان بود، اون گفت باید بعد از سه بار بله بگم (۱۸:۱). مادر جواد: نمی‌شه بدون جشن عروسی درخور برن سر زندگی‌شون (۲۵) کت و شلوار دامادیت رو بهترین خیاط شهر می‌دوزه (۲۸:۴)	۳

نظم گفتمانی در فیلم گل‌های داودی

با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته بر روی دال‌های مرکزی و دال‌های شناور در فیلم گل‌های داودی، دو گفتمان استخراج شده‌است: گفتمان معلولیت، محدودیت نیست و گفتمان نقص‌انگاری معلولیت.

مهمترین گفتمان، گفتمان «معلولیت محدودیت نیست» می‌باشد. در واقع، در کنار بازنمایی حمایت، همدلی و عاملیت معلول، نقش خانواده در ترویج خرده‌گفتمان توانمندسازی نیز به چشم می‌خورد.

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

گفتمان:۱: دال مرکزی: معلولیت محدودیت نیست. وقته‌های این گفتمان که حول دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شوند، به شرح زیر است:

۱- استقلال معلول؛ ۲- آموزش پذیری معلول؛ ۳- تصویر مثبت از بدن معلول؛ ۴- عاملیت معلول؛ ۵- پذیرش معلولیت؛ ۶- معصومیت و بی‌گناهی معلول؛ ۷- معلول هنرمند؛ ۸- وجود عقاید مذهبی و سنتی؛ ۹- آموزش دادن به معلول؛ ۱۰- چشم‌پوشی از خطای معلول؛ ۱۱- تلاش برای تأمین خواسته‌های معلول؛ ۱۲- ارائه خدمات به معلول؛ ۱۳- هم‌صحبتی و همفکری با معلول؛ ۱۴- مداخله برای حل مشکلات فردی و خانوادگی معلول؛ ۱۵- سعی در تصحیح اطلاعات نادرست ارائه‌شده به معلول؛ ۱۶- ایجاد محیطی آرام برای معلول.

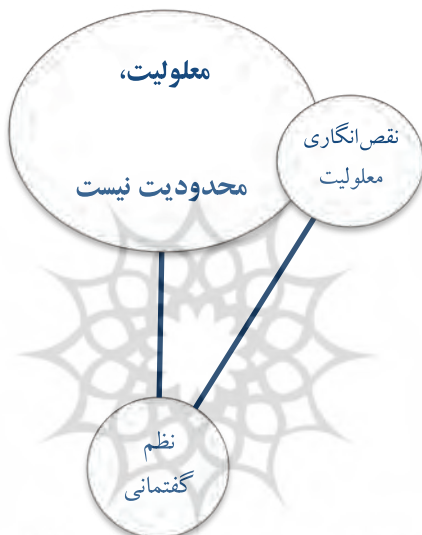
معلولیت، محدودیت نیست، دال مرکزی گفتمان و موقعیتی است که برای سوژه معلول انتخاب شده است. این گفتمان توسط جواد حمایت می‌شود. در این گفتمان، تأکید بر این است که فرد معلول، فاقد صفات منفی است، تقابل دوتایی بدن سالم و بدن معلول در این گفتمان بسیار نادر است و فرد معلول همانند سایر افراد سالم به چشم می‌خورد. بدن بازنمایی شده، مطابق با استانداردها و موقعیت جسمی بهنجار جامعه است. معلول، موضوع درمانی در نظر گرفته نمی‌شود، به طوری که فارغ از کمبودهای اجتماعی و عاطفی، به درمان پزشکی نیاز ندارد و نحوه تعامل جامعه و اطرافیان با فرد معلول و نهادهای مرتبط با ساخت اجتماعی معلولیت، نشان‌دهنده جایگاه فرد معلول به عنوان عاملیت در بافت اجتماعی است. معلول و ویژگی‌هایش توسط خانواده و دوستان پذیرفته شده است و فرد در برقراری ارتباط اجتماعی و نحوه تعامل با دیگران توانایی دارد. فرد معلول از وضعیت بدنی خود آگاهی دارد (خودآگاهی). نقطه عزیمت این گفتمان، معلولیت را عامل انزوا و طرد معلول نمی‌داند، بلکه بر این اصل تکیه می‌کند که فرد معلول همانند سایر افراد سالم می‌تواند در تعیین شیوه زندگی خود فعالانه مشارکت کند. نقش خانواده در حمایت معلول به وضوح ترسیم شده است، حتی زمانی که مادر به ناچار دروغی به فرزند معلول می‌گوید. بخشش و چشم‌پوشی در این گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارد. محیطی آرام از ویژگی‌های این گفتمان است.

خرده گفتمان ۲ دال مرکزی: نقص‌انگاری معلولیت: وقته‌های این گفتمان که

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

حول دال مرکزی مفصل بندی می شوند به شرح زیر است:

۱- ناتوانی معلول از درک موقعیت (مگه کوری؟)؛ ۲- قابل ترحم بودن (پسر کورت را فریب دادی مادر؟)؛ ۳- دوگانه سالم/ ناقص (ما توی شب زندگی می کنیم. می توان گفت از این گفتمان حمایت چندانی نمی شود و تنها برای برجسته تر کردن گفتمان معلولیت، محدودیت نیست، مطرح می شود.



نمودار ۴- نظم گفتمانی فیلم گل های داودی

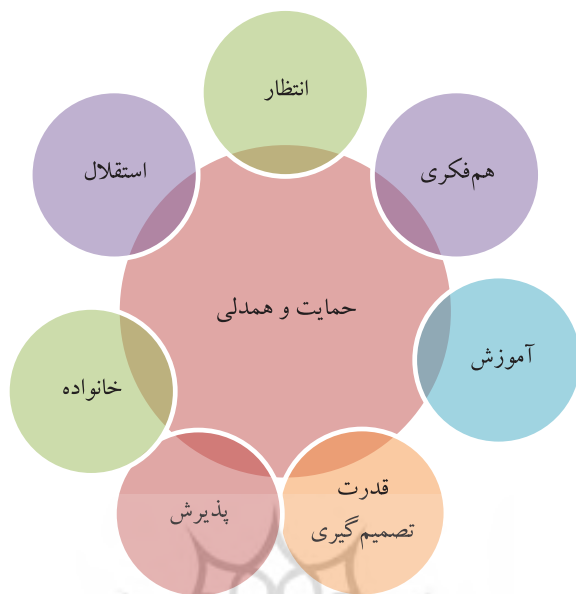
توصیف و تحلیل مکالمه های فیلم

واژه مادر ۱۴ بار در فیلم در سکانس های مختلف، توسط جواد تکرار شده که نشان دهنده اهمیت و ارزش این دال در گفتمان فیلم است. تکرار واژه به دلیل این است که فیلم در جهت بازنمایی دال های شناور گفتمان از قبیل حمایت، همدلی، اتکا و توانمندی حول محور استقلال و پذیرش منسجم شده است. در دقیقه ۲ حضور مادری که فرزند در آغوش دارد بازنمایی شد و هرچه داستان فیلم به جلوتر می رود، نقش مادر پررنگ تر نمایش داده می شود. در دقیقه ۱:۲۴ معلول

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

به مادر برای پیگیر بودن و کنترل او از درامان ماندن از آسیبها گله‌مند است و این گله‌مندی در دقیقه ۸ به اوج رسیده که با دال‌های شناور دخالت، کنترل در عباراتی همچون: من بچه نیستم، پسر بزرگ شده مادر (۱۴) شناسایی شده است. می‌توان گفت فیلم گل‌های داودی حول محوریت دال مرکزی «حمایت و همدلی» شکل گرفته است. همه مادرها اتاق بچه‌هاشون را تمیز می‌کنند یا تقاضای مادر مریم برای درک حال او توسط پدر (۲۲) پدر مریم دو جوان را که با هم قهر هستند آشتی می‌دهد و برنامه عروسی را تدارک می‌بیند (۳۹) مادر جواد: آقای صفاری تو رو خدا نذارید جواد بفهمه پدرش مرده، بذارید خوشحال باشه و مراسم عروسیش برگزار بشه (۶۲). اگرچه دال‌های شناور دروغ و پنهان‌کاری از دقایق ۶۵ تا ۸۱ حول دال مرکزی حمایت و همدلی به وجود می‌آیند، برای آن که این دال مرکزی را با وضوح بیشتری نمایان کنند: مادر تو پسر کورت را فریب دادی (۸۴). جواد در رو باز نکن تورو خدا در رو باز نکن (۸۱). دال‌های شناور استقلال، آموزش‌پذیری و توانمندی در عباراتی نظیر: جواد: من خودم به آقای رئیس میگم هوا گرمه و قابل تحمل نیست (۴). جواد در سکانسی می‌گوید من توانایی کار کردن دارم و می‌تونم خودم تصمیم بگیرم (۱۶:۶). لطافت روح دال شناور دیگری است که در معلول بازنمایی می‌شود: شعر می‌گویم و منتظر می‌مانم (۱۶). مهر و محبت فرزند معلول به والدین نیز حاکی از لطافت روح است، انتظار برای آزادی پدر (دقیقه ۱۲، ۲۵، ۳۱، ۴۷) و رؤیابافی؛ مریم به جواد می‌گوید: این بد نیست که تو در رؤیاهات زندگی می‌کنی (۹:۱۵)، اما واقعیت فرق می‌کنه. دال‌های شناور انتظار و اشتیاق حول محور حمایت و همدلی به کرات به چشم می‌خورند: دقیقه ۷- ۸. جواد: من همیشه منتظرم، این بار هم مثل همیشه خبری نشد. باز هم منتظر می‌مونم تا یه روزی خبر آزادی پدر بیاد.

با بررسی فیلم گل‌های داودی دال‌های شناور آن کشف شدند که شامل: خانواده، استقلال، انتظار، پنهان‌کاری، پذیرش، آموزش‌پذیری، توانمندی و لطافت روح حول دال مرکزی حمایت و همدلی مفصل‌بندی شده‌اند.



نمودار ۵- نظام معنایی و مفصل بندی گفتمان فیلم گل های داودی

نتیجه گیری

هدف این تحقیق، تحلیل گفتمان بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه بود. دیدگاه نظری پژوهش بر این اساس است که معلولیت امری برساختی است و در فضای گفتمانی شکل می گیرد. با توجه به این اصل، گفتمان، جهان اجتماعی را با معنا دادن می سازد و به علت بی ثباتی بنیادین زبان، معنای داده شده پایدار نمی ماند و چون گفتمان نهادی بسته نیست و در معرض برخورد گفتمان های دیگر است، اثر برخورد با آنها دچار تغییر می شود، زیرا گفتمان های مختلف برای همزونی یافتن یعنی تثبیت معنای مورد نظرشان، همیشه در نبرد گفتمانی به سر می برند. هویت نیز مانند معنا در گفتمان برساخته می شود و متغیر است و این گفتمان ها هستند که هویت را می سازند. از این منظر، هویت اگرچه ممکن است در دوره هایی تثبیت شود، به ضرورت امری ثابت و مبتنی بر وجود نیست که بدون تغییر در گذر زمان آشکار شود (استغنی، ۱۳۹۷: ۸۳).

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

از سوی دیگر، سینما به عنوان یک رخداده ارتباطی نه تنها نظم‌های گفتمانی موجود را بازتولید می‌کند، بلکه با استفاده خلاقانه از زبان قادر به تغییر آنها نیز هست، از جمله این نظم‌های گفتمانی در حاشیه گفتمان معلولیت است. معلولیت به مثابه مفهومی جامعه‌شناختی است که برساخته نگرش اطرافیان نسبت به فرد معلول است. تحلیل گفتمان فیلم گل‌های داودی که براساس عناصر تثبیت‌شده ملودرام ساخته شده، نشان می‌دهد در فیلم، مفصل‌بندی دال‌های گفتمان به صورت مشخصی بازنمایی شده است. دال‌های شناور خانواده با تأکید بر مادر، استقلال، انتظار، پنهان‌کاری، پذیرش، آموزش‌پذیری، توانمندی و لطافت روح و معصومیت، تابع قوانین و رسوم، عشق، حول دال مرکزی حمایت و همدلی سامان یافته‌اند. اگرچه فیلم گل‌های داودی از آرایش گفتمانی «معلولیت، محدودیت نیست» شکل گرفته، اما پیرامون این گفتمان، گفتمان کوچکی با عنوان نقص‌انگاری معلولیت شکل گرفته است. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق عزیزبان (۱۳۹۲)، آسپلر و هایدینگ (۲۰۲۲)، ورتون و همکاران (۲۰۲۲) هم‌سو نمی‌باشد، نتایج تحقیقات مذکور نشان می‌دهند آنچه از معلولین و معلولیت به نمایش گذشته‌اند، به تقویت بیشتر باورهای پنهان جامعه در حیطه معلولین مبنی بر اینکه آنان افرادی ناتوان، دارای توانمندی و استعداد معلوم و مشخصی هستند و افراد سالم بر آنان برتری دارند، می‌پردازد.

درواقع، فیلم گل‌های داودی قصد دارد با حذف کلیشه‌ها و تصورات نامناسب درباره معلولان، شخصیت‌سازی عام‌لانه و آگاهانه‌ای را از فرد معلول ارائه دهد. تلاش خانواده‌ها و همکاران در حمایت و همدلی با فرد معلول قابل‌توجه است، به طوری که می‌توان گفت مفصل‌بندی این گفتمان، حرکت از الگوی پزشکی معلولیت به سوی الگوی اجتماعی معلولیت بوده و تلاش کارگردان، ایجاد تغییر در نگرش به معلولیت بوده است. می‌توان گفت فیلم گل‌های داودی بسته به مقتضیات زمان درصدد تضعیف گفتمان نقص‌انگاری معلولیت است. قدرت مادر در فیلم به واسطه دو فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در داستان فیلم جریان می‌یابد. فیلم گل‌های داودی و امثال آن، توانستند سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای را به سمتی هدایت کنند که معلولان، همانند افراد سالم از مزایای شهروندی و اجتماعی برخوردار باشند و به صورت کنشگرانی فعال در فیلم‌ها بازنمایی شوند. همچنین پیامی را منتقل نمودند بر این اساس که لازم است برای افراد آسیب‌پذیر اقداماتی انجام شود که شایسته آنهاست، چراکه توانایی مشارکت کامل در امور را ندارند.

منابع

۱. آقابابایی، احسان (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی فیلم*، اصفهان: جهاددانشگاهی اصفهان.
۲. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی، تهران: نشر نویسه پارسی.
۳. ابوعلی، رجاء؛ و اکبری، زینب (۱۴۰۱). «برساخت گفتمانی هویت در زندگی‌نامه‌های خودنوشت زنان ایزدی»، *دوماهنامه بین‌المللی جستارهای زبانی*، شماره ۱(۶۷)، ۶۵-۹۷.
۴. اسدیان، مونا؛ امیرمظاهری، امیرمسعود؛ و کمالی، محمد (۱۳۹۷). «ساخت اجتماعی معلولیت در سینمای قبل از انقلاب و دهه شصت ایران (مطالعه موردی فیلم‌های در دنیا بیگانه بودم و پرنده کوچک خوشبختی)»، *مجله مطالعات ناتوانی*، دوره سوم، شماره ۱۰.
۵. استریانی، دومنیک (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، (مترجم: ثریا پاک‌نظر)، تهران: گام نو.
۶. بشیر، حسن (۱۳۹۹). *روش عملیاتی تحلیل گفتمان*، تهران: انتشارات سروش.
۷. تیلور، استفنی (۱۳۹۷). *تحلیل گفتمان چیست؟*، (مترجم: عرفان رجبی و پدram منیعی)، تهران: انتشارات نویسه پارسی.
۸. جبلی، خدیجه (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی معلولیت*، تهران: انتشارات علمی.
۹. حسینی، نگین (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی*، انتشارات سیمای شرق.
۱۰. رضایی، مهدی؛ و پرتوی، لطیف (۱۳۹۴). «زنان معلول و تعامل با جامعه»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال هفدهم، شماره ۶۷، ۸-۴۴.

- بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه
۱۱. زرین کفشیان، غلامرضا (۱۳۹۹). «بررسی رابطه نگرش منفی جامعه با طرد معلولین از اجتماع»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال پانزدهم، شماره سوم، ۲۱۰-۱۹۱.
 ۱۲. ساترلند، جین ان؛ فلتی، کاترین (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی سینمایی*، (مترجم: حسین ابوالحسن تنهایی و لیلا شعبانی)، تهران: نشر دریای تنهایی.
 ۱۳. سامنی، سامان (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، تهران: نشر ساکو.
 ۱۴. سهرابزاده، مهران؛ امیدوار، آزاد؛ و خداکریمان گیلان، ندا (۱۴۰۱). «تحلیل گفتمان انتقادی فیلم پرواز بر فراز آشیانه فاخته»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۲۲، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۰۸، ۳۷۱-۳۹۲.
 ۱۵. عبداللهی، رضا؛ و پیری، محمد (۱۳۹۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی قشربندی معلولیت در ایران*، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
 ۱۶. عزیزیان، انسیه (۱۳۹۲). *بررسی بازنمایی معلولین در رسانه (تصویر معلولین در فیلم‌های سینمایی ایران)*، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (قیامدشت)، دانشکده علوم انسانی.
 ۱۷. گافمن، اروینگ (۱۴۰۰). *داغ ننگ*، (مترجم: مسعود کیانپور)، تهران: نشر مرکز.
 ۱۸. لطیفیان، مریم؛ بنی‌اسد، فاطمه؛ کمالی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت، یک مرور نظام‌مند»، *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۰۱-۵۳.
 ۱۹. محسنی تبریزی، علیرضا؛ و جبلی، خدیجه (۱۳۹۲). «برساخت اجتماعی ناتوانی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، ۱۵۴-۱۳۱.
 ۲۰. مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *مجله معرفت فرهنگی- اجتماعی*، سال دوم، شماره دوم، ۹۱-۱۲۴.

- بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه
۲۱. مظفری فاروق، امین؛ علیزاده اقدم، محمداقبر؛ بخشی خیلگوانی، اکرم (۱۳۹۰). «ساخت اجتماعی معلولیت: پژوهشی با رویکردی برساخت‌گرایانه اجتماعی؛ مطالعه موردی شهرستان رشت»، *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۳، شماره ۲-۳ (پیاپی ۱۱-۱۰)، ۱۴۳-۱۵۶.
۲۲. منتظرقایم، مهدی؛ و رضانی، حسین (۱۳۹۳). «تحلیل دریافت افراد دارای معلولیت از تصاویر بازنمایی شده از آنها در فیلم‌های سینمایی با تأکید بر فیلم‌های میم مثل مادر، شهر زیبا و زمانی برای دوست داشتن»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۰ (۳۷)، ۴۳-۶۶.
۲۳. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *نظریه رسانه*، تهران: انتشارات همشهری.
۲۴. نامداری، اسما (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان انتقادی فیلم عصبانی نیستم با رویکرد فرکلاف»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، (۳۷)، ۱۰، ۱۶۳-۱۸۲.
۲۵. هورات، دیوید (۱۳۹۸). *گفتمان*، (مترجم: روح اله قاسمی)، تهران: اندیشه احسان.
۲۶. یورگنسن، ماریانه؛ و فیلیپس، لوئیز (۱۴۰۰). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، (مترجم: هادی خلیلی)، تهران: نشر نی.

27. Aspler, J., Harding, K. D., & Cascio, M. A. (2022). Representation matters: Race, gender, class, and intersectional representations of autistic and disabled characters on television. *Studies in Social Justice*, 16(2), 323-348.

28.

29. Foster, J., & Pettinicchio, D. (2022). A model who looks like me: Communicating and consuming representations of disability. *Journal of consumer culture*, 22(3), 579-597.

30.

بازنمایی معلولیت در فیلم سینمایی گل های داودی با استفاده از رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه

31. Muredda, A., Jones, C. T., Zbitnew, A., & Collins, K. (2022). Doing Disability Movies Differently: Representing Disability Through a Short Film. *Journal of Literary & Cultural Disability Studies*, 16(2), 215-228.
- 32.
33. Phemister, Andrew A., & Crewe Naney M.(2004). Objective Self-Awareness and Stigma: Implications for Persons with Visible Disabilities. *Journal of Rehabilitation*, Volume 70, No 2, 33-37.
- 34.
35. Vehmas, S. (2004) *Dimensions of disability. Cambridge Quarterly of Healthcare Ethics*, Volume 13, Issue 01 / pp 34- 40 available at:<http://journals.cambridge>.
36. Vertoont, S., Goethals, T., Dhaenens, F., Schelfhout, P., Van Deynse, T., Vermeir, G., & Ysebaert, M. (2022). Un/recognisable and dis/empowering images of disability: a collective textual analysis of media representations of intellectual disabilities. *Critical Studies in Media Communication*, 39(1), 1-14.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی